



مرکز تحقیقات اسلامی

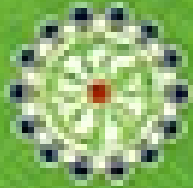
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مجلس شورای اسلامی ایران



# در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۳۵

نماز مسافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نماز مسافر

نویسنده:

عبدالکریم بهبهانی

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نماز مسافر
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۱۹	اشاره
۲۳	حال نگاه بیندازید و ببینید:
۲۷	پیشگفتار
۲۹	نماز مسافر از دیدگاه قرآن
۲۹	اشاره
۲۹	دو نکته
۲۹	اشاره
۲۹	نکته اول: اثبات کنیم که حکم این مسأله برای هر سفری عمومیت دارد
۳۲	نکته دوم: اثبات مشروعیت شکسته خواندن نماز در سفر
۳۷	نماز مسافر از دیدگاه سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله)
۴۵	نماز مسافر از دیدگاه صحابه و فقها
۴۹	ادله قایلان به جواز قصر نماز در سفر
۵۹	بررسی نماز مسافر از دیدگاه فقه اهل بیت(علیهم السلام)
۶۳	عثمان بن عفان، بدعتگذار نماز کامل در سفر
۶۳	اشاره
۷۳	تلاش برای توجیه عمل عثمان!
۷۷	چکیده بحث
۷۸	درباره مرکز

سرشناسه: بهبهانی، عبدالکریم

عنوان قراردادی: مسأله الصلاه فی السفر . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: نماز مسافر [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ مترجم حسین علی عربی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]; ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۳۰.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۳۰۰-۸

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: نماز مسافر

موضوع: نماز مسافر -- احادیث

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله ، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۱۸۷/۴ب/۸۶م ۵۰۴۱ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۲۷۷۶

ص: ۱

اشاره





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



نماز مسافر

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی

مترجم حسین علی عربی

تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت]... معرفی مکتب اهل بیت است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.



در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱



وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سای وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطب ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لب پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیس دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

---

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اّتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران اّمت و برآحاد جامع اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتّفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب هم مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمّد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؛

- ما که بزرگ ترین موفّقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزّی و اعلان و تحقّق کلم توحید «لا إله إلا الله» می دانیم؛

- ما که خطبه های غزّای توحیدی مولی الموحّدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؛

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با هم این اوصاف، به صورت جاهلان و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم كيف يحكمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطب علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابواعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحن حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

### حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی (علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد - چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصار انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (۱) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود! اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمین اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لااله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموع فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.



مجموع «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبتیت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجم فارسی آن توسط ادار ترجم

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱ - ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲ - سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳ - ۵ - سید عبدالرحیم موسوی رحمه الله، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶ - ۹ - شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰ - ۱۳ - سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

از جمله مسائلی که در مورد آن، میان مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) و مدرسه اهل سنت اختلاف است، «مسأله نماز در سفر» است. مذهب اهل بیت (علیهم السلام) به وجوب شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی برای مسافر حکم نموده اند و این وجوب، وجوب تعینی است. مذهب حنفی ها از اهل سنت این نظریه را پذیرفته اند، ولی مذهب حنبلی ها، اوزاعی، مالکی ها و شافعی ها با آن مخالف هستند و گفته اند:

«شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی در سفر، واجب نیست بلکه جایز است و مکلف در سفر، بین شکسته خواندن و تمام خواندن نمازهای چهار رکعتی، مخیر است.»

آنگاه بین آنان نیز اختلاف پیش آمده و جمعی قایل شده اند که شکسته خواندن، افضل است و برخی دیگر معتقدند که تمام خواندن، افضل است. (۱)

و تنها نقطه مشترک بین همه مسلمانان، «مسأله مشروعیت شکسته خواندن نماز چهار رکعتی در سفر» است.

ص: ۲۱

---

۱- (۱) - بدایه المجتهد، ابن رشد قرطبی: ۱/ ۲۳۵، کتاب الصلاه، الفصل الأول فی القصر، چاپ دار المعرفه.

علامه حلی فرموده است:

«اگر کسی، جواز شکسته خواندن نماز در سفر را منکر شود، کافر شده است». (۱)

و جزیری می گوید:

«همه امت بر مشروعیت شکسته بودن نماز در سفر، اجماع دارند». (۲)

برای این که حقیقت این مسأله برای ما روشن شود، ناچاریم این مسأله را ابتدا بر قرآن و سپس بر سنت شریف نبوی عرضه نماییم.

ص: ۲۲

---

۱- (۱) - تذکره الفقهاء: ۴ / ۳۴۹، صلاه الجماعه، الفصل الثانی فی صلاه السفر.

۲- (۲) - الفقه علی المذاهب الاربعه: ۱ / ۶۰۸، کتاب الصلاه، باب دلیل حکم قصر الصلاه.

### اشاره

قرآن کریم در سور نساء به این مسأله پرداخته و می فرماید:

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا . (۱)

«هنگامی که در زمین سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند».

### دو نکته

#### اشاره

قبل از آن که به بررسی فقهی مسأله در پرتو آیه پردازیم، لازم است به دو نکته توجه نماییم.

#### نکته اول: اثبات کنیم که حکم این مسأله برای هر سفری عمومیت دارد

کلمه «ضَرَبَ» - که در آیه آمده است - کنایه از «سفر» است و هر چند که از اطلاق کلمه «ضرب» استفاده می شود که مراد، هر سفری است، ولی از ذیل آیه استفاده می شود که منظور، سفر خاصی است و آن سفر، برای جهاد است؛ چون می فرماید:

ص: ۲۳

...إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا . (۱)

این عبارت، با سفر برای جهاد تناسب دارد، ولی اجماع مسلمین بر شکسته خواندن نماز در همه سفرهای شرعی منعقد است. افرادی هم هستند که این حکم را مخصوص سفرهای حج، جهاد و یا عمره می دانند. این قول به ابن مسعود نسبت داده شده و فقهای ظاهریه (۲) هم بدان معتقدند. قول ضعیفی هم به عایشه نسبت داده شده است که می گوید:

«شکسته خواندن جایز نیست، مگر در حال ترس که آن هم جهاد است». (۳)

ولی فخر رازی به این استدال چنین پاسخ گفته است:

«حکم، مقید به ذیل آیه نیست که ظاهرش دلالت بر اختصاص به سفر جهاد داشته باشد. حرف ان و اذا شرطیه، این مطلب را می رسانند که اگر شرط، حاصل شد، مشروط هم حاصل می شود، ولی این را نمی رساند که اگر شرط حاصل نشد، مشروط هم حاصل نشود.

در این صورت می گوییم: عبارت إِنْ خِفْتُمْ اقتضای این را دارد که اگر خوف وجود داشت، شکسته خواندن هم جایز است، ولی

ص: ۲۴

---

۱- (۱) - نساء (۴): ۱۰۱.

۲- (۲) - المحلّی، ابن حزم: ۴ / ۲۶۸، صلاه المسافر.

۳- (۳) - بدایه المجتهد، قرطبی: ۱ / ۲۳۴، کتاب الصلاه، الفصل الأوّل فی القصر.

اقتضا ندارد که اگر خوف نبود، شکسته خواندن نماز هم جایز نباشد، پس با توجه به این استدلال، آیه نسبت به زمانی که امتیّت وجود داشته باشد، نفیاً و اثباتاً نسبت به شکسته خواندن نماز ساکت است و ثابت کردن جواز (شکسته خواندن نماز) در حال امتیّت به وسیله خبر واحد، ثابت کردن حکمی است که قرآن از آن ساکت بود و این ممتنع نیست بلکه ممتنع، آن حکمی است که به وسیله خبر واحد ثابت شود و برخلاف قرآن باشد و ما چنین چیزی نمی گوییم.

و اگر سؤال شود: اگر این حکم در حال امتیّت و حال خوف ثابت است، پس فایده مقید ساختن آن به حال خوف چیست؟

در جواب می گوییم: آیه در مورد غالب سفرهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است که اکثر آنها خالی از خوف دشمن نبوده اند و خدا هم این شرط را بیان داشته به خاطر این که این حالت، بیشتر به وقوع می پیوسته است...» (۱).

و نتیجه این جواب، نفی دلالت ادوات شرط است بر مفهوم و حصر دلالت آنها بر منطوق کلام است.

پس آیه متعرض حالت «جهاد» است و نسبت به بقیّه حالات، ساکت است، لذا سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حکم نماز مسافر را در غیر جهاد، به حکم نماز مسافر در حال جهاد، ملحق ساخته است.

ص: ۲۵

امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان احتمال داده است:

«ذکر خوف در آیه، یک حالت عمومی و غالب را برای آنان در سفرهایشان ترسیم کرده است؛ چرا که آنان در عموم سفرها از دشمنان می ترسیدند و امثال این چیزها در قرآن کریم بسیار است».<sup>(۱)</sup>

علامه طباطبایی پاسخ دیگری داده و فرموده است:

«آغاز تشریح شکسته خواندن نماز، هنگام ترس از فتنه بوده است و منافاتی ندارد که این تشریح در مرحله بعد، تمام صورتهای سفر شرعی را شامل شود، اگر چه با خوف همراه نباشد، پس قرآن کریم تنها قسمتی از این حکم را بیان داشته و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن را شامل همه صورتهای دانسته است».<sup>(۲)</sup>

### نکته دوم: اثبات مشروعیت شکسته خواندن نماز در سفر

این آیه وظیفه بیان اصل مشروعیت شکسته خواندن در سفر را به عهده دارد و بدون شک این مقدار را آیه اثبات می کند و می فرماید:

...فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ...<sup>(۳)</sup>

تنها نکته ای که در میان مذاهب اسلامی مورد بحث است این است که: آیا این شکسته خواندن در نماز، واجب است یا جایز؟ و آیا مسافر

ص: ۲۶

۱- (۱) - مجمع البیان: ۱۲۷/۳، چاپ مؤسسه التاریخ الاسلامی.

۲- (۲) - تفسیر المیزان: ۵/۶۳.

۳- (۳) - نساء (۴): ۱۰۱.



مجبور است که حتماً شکسته بخواند و یا بین شکسته خواندن و تمام خواندن مخیر است؟ و به همان مقدار که نکته اول، مسلم و مورد اتفاق همه مسلمانان است، نکته دوم، محل بحث و مناقشه بین فقهای مذاهب مختلف است و علت و منشأ بحث هم این عبارت از آیه است که می فرماید:

...فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْضُوا مِنَ الصَّلَاةِ ...

امثال این تعبیرها در قرآن کریم، هم برای موارد وجوب وارد شده است و هم برای موارد اباحه. از موارد وجوب، این آیه شریفه است که می فرماید:

...فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا... (۱)

«کسی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می دهد، گناهی بر او نیست که بر آن دو طواف کند».

و از جمله موارد اباحه، این آیه شریفه است که می فرماید:

...لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا... (۲)

«بر شما گناهی نیست که به طور دسته جمعی، یا جداگانه غذا بخورید».

ص: ۲۷

---

۱- (۱) - بقره (۲): ۱۵۸.

۲- (۲) - نور (۲۴): ۶۱.

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ... (۱)

«گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان طلب کنید».

در این صورت، عبارت: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ به تنهایی و فی نفسه، نه وجوب را اثبات می کند و نه اباحه را. وجوب و اباحه باید با ادله دیگر قرآنی، یا نبوی ثابت شوند و بر این مطلب، خبری از زراره و محمد بن مسلم دلالت دارد که از امام صادق (علیه السلام) روایت نموده اند. آن دو از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند:

«در مورد نماز در سفر چه می فرمایید؟ چگونه و چند رکعت است؟»، فرمود:

«خدای متعال می فرماید: وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ، پس شکسته خواندن در سفر، مثل تمام خواندن در وطن، واجب است».

پرسیدند: «خدا فرموده است: لَا جُنَاحَ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ و نفرموده است: إِفْعَلْ؛ انجام بده، پس چگونه مثل تمام خواندن، شکسته خواندن هم واجب شده است؟».

حضرت فرمود:

«آیا خدا در مورد صفا و مروه نمی فرماید: فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا؛ آیا نمی بینید که طواف واجب است؟»

ص: ۲۸

چون خدای تعالی آن دو را در کتابش ذکر نموده و پیامبرش نیز آن دو را انجام داده است؟ شکسته خواندن نماز در سفر هم چیزی است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن را انجام داده و خدا در کتاب، آن را یادآور شده است». (۱)

این روایت برای پاسخ به کسی مناسب است که دلالت آیه را بر جواز شکسته خواندن نماز، قبول داشته باشد، نه وجوب آن را؛ مانند امام شافعی که به چهار آیه استشهاد نموده که در آن آیات، عبارت جُنَاحٌ در مواردی به کار رفته است که «جواز» را می رساند و سپس استدلال نموده است که آیه تقصیر، این را می رساند که شکسته خواندن، جایز است نه واجب، (۲) ولی به آیه: «نفی جناح در طواف» که در مورد طواف واجب حج است و امام صادق(علیه السلام) آن را متذکر شده، اشاره ای نمی کند.

این بحث از نظر قرآنی بود. و اگر سؤال شود: معنای لغوی، بر جواز شکسته خواندن نماز کمک می کند و کمکی بر وجوب آن ندارد، حال بین این بحث لغوی و بین بحث قرآنی، چگونه می توان به وجه جمعی رسید؟

جواب این سؤال را هم می توان از سخن علامه طباطبائی به دست آورد که می نویسد:

ص: ۲۹

---

۱- (۱) - مجمع البیان: ۳/ ۱۲۷، چاپ مؤسسه التاریخ الاسلامی.

۲- (۲) - الأم: ۱/ ۲۰۷، کتاب الصلاه، باب صلاه المسافر، چاپ دارالفکر.

«مقام آیه شریفه، مقام تشریح حکم است و در آن، صرف کشف از این که چنین حکمی هست، کافی است و لازم نیست که در این مقام، همه جهات و خصوصیات حکم بیان شود؛ همچنان که نظیر این تعبیر را درباره روزه واجب آورده و فرموده است: ...وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ...؛ (۱) و این که روزه بگیرید، برایتان بهتر است». (۲)

گویا حکم وجوب، مرگب از دو مرتبه است؛ مرتبه نفی حرمت و مرتبه اثبات وجوب و نفی گناه هر چند ناظر به مرتبه اول است، ولی اختصاص به آن ندارد. گاهی وجوب از دل خطاب برمی آید، ولی به خاطر هدف معینی صراحتاً آن را اعلام ننموده است، لذا تنها به بیان مرتبه اول اکتفا نموده است. این معنا با مطلبی که زمخشری در تفسیر خود بیان داشته هماهنگ است آن جا که می گوید:

«اگر بگویی با آیه شریفه: فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُواْ فِيهَا كَمَا كُنْتُمْ تُقْصِرُونَ چه می کنید؟ [خواهیم گفت:] گویا تمام خواندن نماز برای آنان عادی شده؛ به خاطر این که به فکرشان خطور نکند که در شکسته خواندن نماز، نقصانی متوجه آنان است، لذا برای اطمینان خاطر آنان، گناه شکسته خواندن را از آنان منتفی دانسته و به آنان اطمینان داده است». (۳)

ص: ۳۰

---

۱- (۱) - بقره (۲): ۱۸۴.

۲- (۲) - تفسیرالمیزان: ۶۳ / ۵.

۳- (۳) - الکاشف: ۱ / ۵۵۸.

## نماز مسافر از دیدگاه سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

از بحثهای گذشته بعد قرآنی مسأله شکسته خواندن نماز در سفر روشن گردید.

جمله لاجنّاح که در آیه تقصیر وارد شده است، در وجوب و گاهی در اباحه به کار رفته است، ولی در آیه شریفه به هر دو صورت قابل حمل است، لذا برای پی بردن به مقصود آیه، لازم است در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تحقیق کنیم.

وقتی از این زاویه وارد بحث می شویم، می بینیم که برای دلالت بر وجوب، روایات بسیاری وارد شده است که به بیان برخی از آنها می پردازیم:

۱- ابن حنظله می گوید:

«از ابن عمر در مورد نماز در سفر سؤال کردم، گفت: دو رکعت بر طبق سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. در لفظ بیهقی آمده است: شکسته خواندن نماز در سفر، سنتی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را بنا کرده است». (۱)

۲- عبدالله بن عمر گوید:

ص: ۳۱

---

۱- (۱) - مسند احمد: ۲ / ۱۶۰، ح ۵۱۹۱؛ مسند عبدالله بن عمر، چاپ مؤسسه التاریخ الاسلامی؛ سنن بیهقی: ۳ / ۱۹۴، کتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافر، باب ۷۶۵، ح ۵۳۸۸.

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در حالی نزد ما آمد که ما در گمراهی بودیم و به ما آموخت. از جمله چیزهایی که به ما آموخت این بود: خدای عزوجلّ به ما دستور داد که در سفر، نماز را دو رکعتی بخوانیم».<sup>(۱)</sup>

۳- سلمان می گوید:

«نماز به صورت دو رکعت، دو رکعت واجب شد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آن را در مکه خواند تا این که به مدینه رسیدند. در مدینه آن را آن گونه که خدا خواست خواند. به نماز در وطن، دو رکعت افزوده شد، ولی نماز در سفر، به حال خود باقی ماند».<sup>(۲)</sup>

۴- ابی هریره می گوید:

«ای مردم! خدا از زبان پیامبر شما، نماز را در وطن، چهار رکعتی و در سفر، دو رکعتی واجب کرده است».<sup>(۳)</sup>

۵- ابن مسعود گوید:

«کسی که در سفر، نماز را چهار رکعت بخواند، نماز را باید اعاده کند».<sup>(۴)</sup>

ص: ۳۲

---

۱- (۱) - سنن نسائی: ۱/ ۵۸۲، کتاب قصر الصلاه فی السفر، ح ۱۸۹۲؛ تفسیر خازن: ۱/ ۴۱۸، چاپ دارالکتب العلمیه؛ نیل الاوطار: ۳/ ۲۰۴، ح ۶.

۲- (۲) - طبرانی آن را در الاوسط روایت نموده است؛ همچنان که در مجمع الزوائد: ۲/ ۱۵۶ آمده است.

۳- (۳) - مسند احمد: ۳/ ۱۱۵، ح ۸۹۴۷؛ مسند ابو هریره.

۴- (۴) - مجمع الزوائد: ۲/ ۱۵۵.

۶- انس بن مالک می گوید:

«با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از مدینه به سوی مکه خارج شدیم. نماز را دو رکعتی می خواندیم تا زمانی که به مدینه برگشتیم».(۱)

۷- عمر بن خطاب روایت می کند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

«نماز مسافر دو رکعت است تا این که پیش اهلش برگردد».(۲)

۸- عمران بن حصین می گوید:

«هیچ سفری را با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نرفتم، مگر آن که نماز را دو رکعتی خواند تا وقتی که به وطن برگردد. با پیامبر(صلی الله علیه و آله) به حج رفتم و همواره آن حضرت، دو رکعت می خواند تا این که به مدینه برگشت و در مکه هجده روز اقامت نمود و نماز نخواند مگر به صورت دو رکعتی و به اهل مکه فرمود: شما نماز را چهار رکعت بخوانید؛ زیرا ما مسافر هستیم».(۳)

ص: ۳۳

---

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۲/ ۳۵، کتاب الصلاه، باب التقصیر، چاپ دارالفکر؛ صحیح مسلم: ۲/ ۱۴۵، کتاب الصلاه، باب صلاه المسافر و قصرها؛ مسند احمد: ۴۰/ ۴۰، ح ۱۲۵۶۳؛ مسند انس بن مالک؛ سنن بیهقی: ۳/ ۱۹۵، کتاب الصلاه، ابواب صلاه المسافر، باب ۷۶۶، ح ۵۳۸۹.

۲- (۲) - احکام القرآن، جصاص: ۲/ ۳۱۸، باب صلاه المسافر.

۳- (۳) - سنن بیهقی: ۳/ ۱۹۴، کتاب الصلاه، باب ۷۶۵، باب رخصه القصر فی کل سفر، ح ۵۳۸۷؛ احکام القرآن: جصاص: ۲/ ۳۱۸، باب صلاه المسافر. از عمران با لفظ دیگری روایت شده است: رسول خدا به هیچ سفری نرفت، مگر آن که غیر از نماز مغرب را دو رکعتی خواند. این مطلب در مجمع الزوائد: ۲/ ۱۵۵ آمده است و احمد و ابو داوود آن را روایت کرده اند.

«خدا نماز را از زبان پیامبرتان در وطن، چهار رکعتی و در سفر، دو رکعتی و در حالت خوف، یک رکعتی واجب کرده است».

مسلم با لفظ دیگری این روایت را آورده و می گوید:

«خدای عزوجل از زبان پیامبرتان نماز را بر مسافر دو رکعت و بر مقیم (در وطن) چهار رکعت واجب کرده است».<sup>(۱)</sup>

۱۰- عبدالله بن عمر می گوید:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هنگامی که از مدینه خارج می شد، نماز را بیش از دو رکعت نمی خواند تا به آن برگردد».

و در عبارت دیگری می گوید:

ص: ۳۴

---

۱- (۱) - صحیح مسلم: ۱۴۳/۲، کتاب الصلاه، باب صلاه المسافر و قصرها؛ مسند احمد: ۱/۵۸۵، ح ۳۳۲۲؛ مسند عبدالله ابن عباس؛ سنن ابن ماجه: ۱/۳۳۹، باب تقصیر الصلاه فی السفر، ح ۱۰۶۸؛ سنن نسائی: ۱/۵۸۵، کتاب قصر الصلاه، ح ۱۸۹۹ و ۱۸۹۰؛ سنن بیهقی: ۳/۱۹۳، کتاب الصلاه، ابواب صلاه المسافر، باب ۷۶۵، ح ۵۳۸۳؛ احکام القرآن: جصاص: ۲/۳۱۹ و ۳۱۵، باب صلاه المسافر؛ المحلی، ابن حزم: ۴/۲۷۱، صلاه المسافر. وی می گوید: آن را از طریق حذیفه و جابر و زید بن ثابت و ابی هریره و ابن عمر نیز روایت نموده ایم که همه آنان از رسول خدا روایت کرده اند و در نهایت صحّت است؛ تفسیر قرطبی: ۵/۳۵۲؛ تفسیر ابن جزی: ۱/۱۵۵؛ زاد المعاد، ابن قیم، در حاشیه شرح زرقانی: ۲/۲۲۱؛ مجمع الزوائد: ۲/۱۵۴ از طریق ابی هریره.



«در سفر همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بودم و بر دو رکعت نمی افزودم». (۱)

۱۱- یعلی بن امیه می گوید:

«به عمر بن خطاب گفتم: قرآن می فرماید: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ؛ یعنی شرطی که آیه برای شکسته خواندن نماز بیان نموده این است که مردم در حال خوف باشند و حال آن که مردم الآن در امتیث هستند؟ پس چرا در سفر، نماز را شکسته می خوانند؟! عمر گفت: من هم از چیزی که تو تعجب کرده ای، تعجب کردم و در این مورد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال نمودم، فرمود: صدقه ای است که خدا به شما داده است، پس صدقه اش را بپذیرید». (۲)

۱۲- از عمر روایت شده است:

ص: ۳۵

- 
- ۱- (۱) - مسند احمد: ۱۳۷/۲، ح ۵۰۲۳؛ مسند عبدالله بن عمر؛ سنن ابن ماجه: ۱/۳۳۹، باب تقصیر الصلاة فی السفر، ۱۰۶۵؛ سنن نسائی: ۱/۵۸۹، کتاب قصر الصلاة فی السفر، باب ترك التطوع فی السفر، ح ۱۹۱۶؛ احکام القرآن، جصاص: ۲/۳۱۸، باب صلاة السفر؛ زاد المعاد، در حاشیه شرح المواهب زرقانی: ۲۹/۶۲ و این حدیث را صحیح دانسته است.
- ۲- (۲) - صحیح مسلم: ۱۴۳/۲، کتاب الصلاة، باب صلاة المسافر و قصرها؛ سنن ابن داوود: ۱/۱۸۱؛ سنن ابن ماجه: ۱/۳۲۹؛ سنن نسائی: ۱/۵۸۳، کتاب قصر الصلاة فی السفر، ح ۱۸۹۱؛ سنن بیهقی: ۳/۱۹۳ - ۱۹۲، کتاب الصلاة، أبواب صلاة المسافر، باب ۷۶۵، ح ۵۳۷۹ - ۵۳۷۸؛ احکام القرآن، جصاص: ۲/۳۱۸، باب صلاة السفر؛ المحلی، ابن حزم: ۴/۲۶۷، صلاة المسافر.

«به فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز سفر، دو رکعتی است و نماز جمعه و نماز عید، دو رکعتی تمام است و شکسته نیست».<sup>(۱)</sup>

۱۳- از عایشه روایت شده است:

«در ابتدا نماز به صورت دو رکعت، دو رکعت برای سفر و حضر تشریح شده بود. بعدها به نماز حَضَر، دو رکعت اضافه شد و نماز سفر به همان صورت دو رکعتی باقی ماند».

ابن حزم از طریق بخاری روایت کرده است:

«نماز به صورت دو رکعتی تشریح شده بود، اما پس از هجرت، نمازهای چهار رکعتی تشریح شد و نماز در مسافرت، به همان صورت اوّلیه باقی ماند».

احمد روایت کرده است:

«در ابتدا نمازها به غیر از نماز مغرب که سه رکعتی بود، به صورت دو رکعت، دو رکعت تشریح شده بود. بعدها نمازهای ظهر، عصر و عشا به صورت چهار رکعتی در آمد، اما در سفر، به همان صورت اوّلیه باقی ماند».<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - مسند احمد: ۱/ ۶۲، ح ۲۵۹؛ مسند عمر بن خطاب، سنن ابن ماجه: ۱/ ۳۳۸؛ سنن نسائی: ۱/ ۵۸۵؛ سنن بیهقی: ۳/ ۲۸۲؛ احکام القرآن، جصاص: ۲/ ۳۰۹؛ المحلی، ابن حزم: ۴/ ۲۶۵.

۲- (۲) - صحیح بخاری: ۲/ ۳۶، باب یقصر اذا خرج من موضعه؛ صحیح مسلم: ۲/ ۱۴۲، کتاب الصلاه، باب صلاه المسافر و قصرها؛ موطأ مالک: ۱/ ۱۲۴؛ سنن ابی داوود: ۱/ ۱۸۷؛ کتاب الأم، شافعی: ۱/ ۱۵۹؛ احکام القرآن، جصاص: ۲/ ۳۱۶، باب صلاه السفر؛ سنن بیهقی: ۳/ ۲۰۸، کتاب الصلاه، ابواب صلاه المسافر، باب ۷۷۲، ح ۵۴۴۳؛ المحلی: ۴/ ۲۶۵، صلاه المسافر؛ زاد المعاد: ۲/ ۲۱؛ تفسیر قرطبی: ۵/ ۳۵۸ و ۳۵۲.

اینها برخی از احادیث و روایاتی بود که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد قصر نماز نقل گردیده است. آیا با وجود چنین احادیثی، می توان گفت که قصر نماز در سفر واجب نیست بلکه مجاز است؟! اگر اتمام نماز در سفر جایز بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با قول یا فعل خود بدان اشاره می کرد و حدّ اقل یک بار در عمر خودش نماز را در سفر به صورت تمام به جای می آورد تا دلیل بر جواز اتمام باشد؛ چنان که در مورد موضوعات دیگر، آن حضرت چنین می کردند.

برای مثال، مسلم در صحیح خود، از بریده نقل کرده است:

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای هر نمازی وضو می گرفت، امّا در روز فتح مکه چندین نماز را با یک وضو به جای آورد». (۱)

عمر از او پرسید: «کاری را انجام دادید که قبلاً چنین نمی کردید؟!».

ص: ۳۷

---

۱- (۱) - صحیح مسلم، به شرح نووی: ۱۷۷/۳، باب جواز الصلوات کُلّها بوضوء واحد؛ السنن الکبری، نسائی: ۸۶/۱؛ باب المسح علی الخفین؛ سنن ترمذی: ۴۱/۱، باب ما جاء فی الوضوء لکلّ صلاه.

فرمود: «عمداً صنعته یا عمر!؛ این کار را عمداً انجام دادم، ای عمر!».

شوکانی در شرح این حدیث می نویسد:

«یعنی این کار را برای بیان جواز این عمل انجام داده». (۱)

ص: ۳۸

---

۱- (۱) - نیل الاوطار: ۱ / ۲۱۰، کتاب الطهاره، باب فضل الوضوء لکلّ صلاه، ح ۲.

## نماز مسافر از دیدگاه صحابه و فقها

از ابن عباس نقل شده است:

«هر کس در سفر، نمازش را چهار رکعتی بخواند، مثل کسی است که در حَضْر، نمازش را دو رکعتی خوانده است».<sup>(۱)</sup>

از سائب بن یزید کنندی نقل شده است:

«در ابتدا نماز به صورت دو رکعت، دو رکعت مقرر شده بود، به در حضر دو رکعت اضافه شد و نماز در سفر، به همان حالت سابق باقی ماند».<sup>(۲)</sup>

از ابی الکنود، عبدالله ازدی نقل شده است:

«از ابن عمر درباره نماز در سفر سؤال کردم، گفت: دو رکعت است که از آسمان نازل شده است، اگر می خواهید آن را رد کنید».<sup>(۳)</sup>

از حفص بن عمر نقل شده است:

«انس بن مالک ما را که چهل نفر از انصار بودیم، پیش عبدالملک در شام برد تا برای ما مقرری در نظر بگیرند. هنگام

ص: ۳۹

---

۱- (۱) - مسند احمد: ۱ / ۵۷۵ / ح ۳۲۵۸؛ مسند ابن عباس؛ المحلی: ۴ / ۲۷۰.

۲- (۲) - مجمع الزوائد: ۲ / ۱۵۵. وی می نویسد: طبرانی آن را در الکبیر روایت کرده و سند آن صحیح می باشد.

۳- (۳) - مجمع الزوائد، حافظ هیشمی: ۲ / ۱۴۵. وی می نویسد: طبرانی آن را در الصغیر آورده است.

بازگشت، وقتی به منطقه فَجِّ الناقه رسیدیم، او نماز ظهر را امامت کرد و آن را دو رکعتی خواند، سپس به داخل چادرش رفت. کسانی که به وی اقتدا کرده بودند، برخاستند و دو رکعت دیگر خواندند. وقتی که از چنین کاری اطلاع یافت، گفت: رویتان تباه باد! به خدا قسم! که سنت بر چهار رکعت جاری نگشته و جایز هم دانسته نشده است. گواهی می دهم که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود:

«إِنَّ قَوْمًا يَتَعَمَّقُونَ فِي الدِّينِ ثُمَّ يَمْرُقُونَ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ» (۱).

«همانا قومی در دین تعمق و تأمل فراوان می کنند، سپس همانند تیری که از چله کمان جدا می شود، از دین جدا می شوند».

از عبدالله بن عمر نقل شده است:

«نماز در سفر، دو رکعتی است و هر کس با این سنت مخالفت بورزد، کافر است» (۲).

از ثمامه بن شراحیل نقل شده است:

«پیش ابن عمر رفتم و پرسیدم: نماز مسافر چگونه است؟ پاسخ داد: دو رکعت، دو رکعت است، مگر نماز مغرب که سه رکعتی است».

ص: ۴۰

---

۱- (۱) - مسند احمد: ۳/ ۶۳۳، ح ۱۲۲۰۴؛ مسند انس بن مالک؛ المجمع، هیثمی: ۲/ ۱۵۵.

۲- (۲) - سنن بیهقی: ۳/ ۲۰۱، کتاب الصلاة، باب ۷۶۹، ح ۴۵۱۷؛ المحلی، ابن حزم: ۴/ ۲۷۰؛ احکام القرآن، جصاص: ۲/ ۳۱۹ و ۳۱۸؛ مجمع الزوائد: ۲/ ۱۵۵.

پرسیدم: اگر در ذی‌المجاز باشیم، چگونه است؟ پرسید: ذی‌المجاز کجاست؟ گفتم: جایی است که به مدت پانزده یا بیست شب در آن جا جمع می‌شویم و به خرید و فروش کالا می‌پردازیم. گفت: ای مرد! ما در سفر آذربایجان بودیم - و نمی‌دانم گفت که چهار یا دو ماه - و من دیدم که صحابه نمازهایشان را به صورت، دو رکعتی می‌خواندند. و خودم با همین چشم‌هایم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدم که نماز سفر را دو رکعتی می‌خواند، سپس این آیه را قرائت کرد: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ هر آینه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای شما الگوی حسنه ای است». (۱)

از ابراهیم نقل شده است:

«عمر بن خطاب نماز ظهر را در مکه به صورت دو رکعتی خواند. هنگامی که می‌خواست برود، گفت: ای اهل مکه! ما مسافر هستیم و هر کسی که از اهل مکه می‌باشد، نمازهایش را کامل بخواند». (۲)

از عمر بن عبدالعزیز نقل شده است:

«نماز در مسافرت، حتماً دو رکعتی است و غیر آن صحیح نمی‌باشد». (۳)

ص: ۴۱

---

۱- (۱) - مسند احمد: ۲ / ۳۳۰، ح ۶۳۸۸؛ مسند ابن عمر.

۲- (۲) - الآثار، قاضی ابویوسف: ۵۰ و ۳۰.

۳- (۳) - المحلی: ۴ / ۲۷۱، صلاه المسافر.

عمر بن خطاب و پسرش، ابن عباس، جابر، جبیر بن مطعم، حسن، قاضی اسماعیل، حماد بن ابی سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، قتاده و کوفیان گفته اند که:

«شکسته خواندن نماز در سفر، واجب است».<sup>(۱)</sup>

چنین اتفاق نظر بزرگی در میان صحابه که با اتفاق نظر بسیاری از فقها در عصر تابعین مورد تأکید قرار گرفته است، نمی تواند جز در احکام ضروری، به وقوع پیوسته باشد.

این همه حدیث واضح از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و اتفاق نظر صحابه و تأیید بسیاری از فقهای تابعین، چگونه به کسی اجازه می دهد که بگوید: قصر نماز در سفر جایز است نه واجب؟

اگر جایز بود که نماز در مسافرت به صورت چهار رکعتی خوانده شود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حدّ اقل برای یک مرتبه، نماز سفر را چهار رکعتی می خواند! و این امر بر بزرگان صحابه مخفی نمی ماند. علاوه بر این، صحابه به شدت نسبت به کسانی که نماز سفر را تمام می خواندند، اعتراض و انتقاد می کردند.

ص: ۴۲

---

۱- (۱) - تفسیر قرطبی: ۵ / ۳۵۱؛ تفسیر الخازن: ۱ / ۴۱۸.



## ادله قایلان به جواز قصر نماز در سفر

کسانی که قایل به جواز قصر نماز در سفر شده اند، به دلایل زیر استدلال کرده اند:

۱- آیه ی تقصیر که می فرماید:

فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ .

«بر شما گناهی نیست که نماز را شکسته بخوانید.»

این قسمت از آیه، جواز را می رساند و کسی که به شدت به این قسمت از آیه برای اثبات جواز قصر، یا اتمام در سفر استدلال کرده است، امام شافعی در کتاب الأم می باشد. ماوردی هم در الحاوی الکبیر (۱) به همین اعتماد کرده و فخر رازی در تفسیر خود (۲) و ابن قدامه در المغنی (۳) و دیگران در کتابهای خود، او را تأیید کرده اند.

قبلاً گفته شد که اعتماد به این گونه استدلالها صحیح نیست؛ زیرا قرآن کریم چنین تعبیری را در مورد واجب و مباح به کار برده است و با وجود چنین حالتی در آیه تقصیر، باید دید که آیا بر وجوب، یا اباحه دلالت می کند؟

ص: ۴۳

---

۱- (۱) - الحاوی الکبیر، علی بن محمد ماوردی: ۲ / ۳۶۲، کتاب الصلاة، باب صلاة المسافر.

۲- (۲) - التفسیر الکبیر: ۱۱ / ۱۸.

۳- (۳) - المغنی: ۲ / ۱۰۸، کتاب الصلاة، باب صلاة المسافر، ادله جواز الاتمام فی السفر.

۲- حدیث یعلی بن امیّه که می گوید: «به عمر بن خطاب گفتم: چگونه است که قرآن می فرماید:

فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا.

بر شما حرجی نیست که نماز را شکسته بخوانید، اگر از فتنه کافران بر خویش ترسیدید؟! وی پاسخ داد: من هم از این مطلب تعجب کردم و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آن سؤال نمودم، آن حضرت فرمود:

صدقه من الله بها علیکم فاقبلوا صدقته؛ هدیه و صدقه ای است که خداوند بر شما منت گذاشته و به شما بخشیده است، پس صدقه او را بپذیرید، به این بیان که قایلان به جواز، به همین حدیث استدلال کرده اند، به این اعتبار که گرفتن صدقه واجب نیست!». (۱)

این وجه از دلیل سابق، ضعیف تر است؛ زیرا صدقه ای که گرفتن آن واجب نیست، صدقه مردم است که گاهی به خاطر عدم نیاز و یا برای حفظ عزت و آبرو و دفع ذلت و خواری گرفته نمی شود، اما هیچ ذلت و خواری در گرفتن صدقه خداوند نیست بلکه عین عزت و سربلندی است. در این صورت، قیاس کردن صدقه خدا به صدقه مردم، باطل است.

ص: ۴۴

---

۱- (۱) - المغنی / ابن قدامه: ۱۰۸/۲، کتاب الصلاه، باب صلاه المسافر، ادله جواز الاتمام فی السفر؛ التفسیر الکبیر، فخر رازی: ۱۹/۱۱، مسأله پنجم.

علاوه بر این، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قسمتی از حدیث می فرماید:

«فأقبلوا صدقته؛ صدقه خدا را بپذیرید»، می دانیم که امر، دال بر وجوب است و اولی این است که به این آیه برای وجوب قصر استدلال شود، نه برای جواز قصر، یا اتمام؛ چنان که ابن حزم استدلال کرده است. (۱)

از سوی دیگر، رد کردن صدقه خدای متعال، نوعی اسائه ادب محسوب می شود؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) به روایت از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَصَدَّقَ عَلَى مَرْضَى أُمَّتِي وَ مَسَافِرِهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ الْإِفْطَارِ، أَيْسَّرَ أَحَدُكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تَرُدَّ عَلَيْهِ». (۲)

«همانا خدای متعال بر مریضان و مسافران امت من، قصر نماز و افطار روزه را صدقه داده است و آیا یکی از شما خوشحال می شود صدقه ای را که داده است، به او باز گردانند؟!»

۳- حدیث عایشه که می گوید:

«همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عمره ماه رمضان رفتم. آن حضرت افطار کرد و من روزه گرفتم. آن حضرت نماز را شکسته خواند و من کامل خواندم، سپس عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای

ص: ۴۵

---

۱- (۱) - المحلّی: ۴ / ۲۶۷، صلاه المسافر.

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۵ / ۴۳۹، کتاب الصلاه، ابواب صلاه المسافر، باب ۲۲، ح ۷.

رسول خدا! شما افطار کردید، ولی من روزه گرفتم و شما نماز را شکسته خواندید و من آن را تمام خواندم؟ فرمود: احسنت».

ابن قدامه در المغنی می نویسد:

«این را داوود طیالسی در مسند خود روایت کرده است و صراحتهً حکم را بیان می کند».

اما کسی که مسند مذکور را مطالعه کند، این روایت را در آن نمی یابد بلکه دارقطنی آن را در سنن خود، یک بار از اسود و بار دیگر از پسرش عبدالرحمن روایت کرده است. [\(۱\)](#)

ولی این روایت چون چهره و شخصیت عایشه را مخدوش می کند، از این رو، ابن قیم می گوید:

«از شیخ الاسلام ابن تیمیه شنیدم که می گفت: این حدیث به دروغ به عایشه نسبت داده شده؛ زیرا وی برخلاف رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و سایر صحابه نماز نمی خوانده و در حالی که شاهد آن بوده است که آنان نماز را شکسته می خوانند، خودش بدون دلیل آن را تمام نمی خوانده است...» [\(۲\)](#)

ص: ۴۶

---

۱- (۱) - سنن دارقطنی: ۲/ ۱۸۸، باب قبله الصائم، ح ۴۰ و ۳۹، چاپ عالم الکتب.

۲- (۲) - زادالمعاد: ۱/ ۱۶۱.

پس از آن، ابن قَیْم، متوجّه نقض دیگری شده است که در حدیث وجود دارد و آن تناقض با حدیث دیگری است که از عایشه روایت شده است که گفت:

«نماز در ابتدا به صورت دو رکعت، دو رکعت واجب شد، سپس به نماز در حضر، دو رکعت اضافه شد و نماز در سفر بر همان حال سابق، باقی ماند».

ابن قَیْم گفته است:

«چگونه ممکن است که از طرفی عایشه گفته باشد که نماز به صورت دو رکعتی واجب شد و سپس به نماز در حضر، دو رکعت اضافه شد و نماز مسافر به همان حال سابق باقی ماند و در عین حال با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و صحابه مخالفت نموده و به نماز سفر، دو رکعت اضافه کند؟!».

هنگامی که زهری این روایت را برای عروه از پدرش نقل می کرد، عروه سوال کرد: «چرا او نماز را به صورت کامل خواند؟».

جواب داد: «او همانند عثمان تأویل کرد، در حالی که اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این کار را تأیید کرده باشد، وجهی برای تأویل وجود ندارد و در این صورت صحیح نیست که تمام خواندن وی بر تأویل حمل شود». [\(۱\)](#)

ص: ۴۷

و از جمله شواهدی که بر بطلان حدیث دلالت می‌کند، این است که سیره و تاریخ نویسان، انجام عمره به وسیله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در ماه رمضان را نفی می‌کنند! و می‌گویند که: آن حضرت سه عمره در ماه ذیقعد به جای آورد و یک عمره در ماه ذیحجه همراه با مناسک حج به جای آورد که همان حجّه الوداع بود.

این مطلب را صاحب سیره حلبیه ذکر کرده و آن را با اخباری که از صحیح بخاری و مسلم نقل کرده مورد تأیید قرار داده که یکی از این خبرها از عایشه نقل شده است؛ چنان که از ابن قیم هم نقل کرده که: خبر عایشه درباره عمره ماه رمضان، دروغی است که به وی نسبت داده شده است. [\(۱\)](#)

از این توضیحات فهمیده می‌شود که سخنان ابن قدامه تا چه حد ضعیف است.

۴- از عایشه روایت شده است:

«رسول الله (صلی الله علیه و آله) نماز را در سفر به صورت قصر و اتمام، به جای می‌آورد». [\(۲\)](#)

ص: ۴۸

---

۱- (۱) - السیره الحلویه: ۳/ ۲۷۷، حجّه الوداع، باب ذکر عمره.

۲- (۲) - الحاوی الکبیر: ۲/ ۳۶۴؛ المغنی: ۲/ ۱۰۹، باب صلاه المسافر، ادله الاتمام فی السفر.

این حدیث را دارقطنی در سنن خود با سه اسناد نقل کرده است که طریق اوّل و سوّم در نظرش ضعیف هستند و طریق دوّم در نظرش صحیح است. (۱)

این روایت هم مخالف عمل صحابه و معارض با سیره نبوی است که با دهها دلیل ثابت شده است؛ از جمله اینها احادیثی است که خود عایشه نقل کرده است و هنگامی که امر، دایر بین این باشد که یک حدیث را کنار بگذاریم، یا دهها حدیث را، هیچ راهی باقی نمی ماند مگر این که به دهها حدیث عمل کنیم و آن یک حدیث معارض را کنار بگذاریم.

بالتر آن که: بعضی از بزرگان جمهور، تصریح کرده اند که این روایت صحیح نیست.

ابن قیّم، بعد از نقل این حدیث می نویسد:

«این حدیث صحیح نیست و از شیخ الاسلام ابن تیمیّه شنیدم که می گفت: این دروغی است که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت شده. و روایت شده است: کان یقصر و تتم، که یکی با یای مذکر غایب و دیگری با تاء مؤنث غایب است، همچنین روایت شده است: یفطر و تصوم؛ یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) افطار می کرد و عایشه روزه می گرفت، اینها باطل است و هیچ گاه امّ المؤمنین با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تمام صحابه

ص: ۴۹

مخالفت نمی کرد و بر خلاف ایشان نماز را به صورت تمام نمی خواند.

چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که به سند صحیح از عایشه روایت شده است: خدای متعال نماز را در ابتدا به صورت دو رکعتی تشریح فرمود و پس از آن که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به مدینه هجرت کرد، به نماز در حضر، دو رکعت اضافه شد و نماز در سفر، به همان حال سابق باقی ماند.

با این حال چگونه ممکن است که او بر خلاف رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و مسلمانانی که همراه آن حضرت بودند، نماز را به صورت تمام بخواند؟! به نظر من عایشه بعد از رحلت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) نماز را در سفر به صورت تمام خوانده است.

ابن عبّاس و عدّه ای گفته اند: «وی تأویل می کرده است؛ چنان که عثمان تأویل می کرد، در حالی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) در سفر همیشه به صورت شکسته نماز می خواند؟ در حالی که بعضی از راویان به غلط، دو حدیث را با هم ترکیب کرده اند و به جای: فکان رسول الله(صلی الله علیه و آله) یقصر و تتم هی، آورده اند: کان یقصر و يتم؛ یعنی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز را گاهی به صورت قصر و گاهی تمام می خواند». (۱)

ص: ۵۰



شوکانی، استنکار امام احمد را برای این حدیث، نقل کرده و صحّت آن را بعید دانسته است، به این اعتبار که عایشه نماز را به صورت تمام می خوانده است. (۱)

۵- اجماع صحابه. ابن قدامه گفته است:

«از آنس روایت شده است که ما اصحاب پیامبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسافرت می کردیم. بعضی از ما نماز را تمام و بعضی شکسته می خواندیم و بعضی افطار می کردیم و بعضی روزه می گرفتیم و هیچ کس بر دیگری ایراد نمی گرفت؛ زیرا اجماع صحابه بر همین بود؛ به این دلیل که در میان آنان کسانی بودند که نماز را در سفر به صورت تمام می خواندند و کسی متعزّض آنان نمی شد.» (۲)

معلوم نشده است که این سفر، در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله) بوده است، یا بعد از رحلت ایشان.

به این استدلال، این ایراد وارد است که عمل صحابه و اجماع ایشان، اگر در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است، حجّیت ندارد؛ زیرا در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) احتیاجی به اجماع و عمل صحابه نیست، مگر این که پیامبر از عمل آنان مطلع بوده و سکوت می کرده که در این

ص: ۵۱

---

۱- (۱) - نیل الاوطار: ۳/ ۲۰۳، ابواب صلاه المسافر، باب اختیار و جواز الاتمام، قصر الصلاه فی السفر، چاپ دارالکتب العلمیه.

۲- (۲) - المغنی: ۲/ ۱۰۹، صلاه المسافر، ادله الاتمام فی السّفَر.

صورت سکوت آن حضرت حجّت است، نه عمل صحابه و در این جا دلیلی نیست که آن حضرت از عمل صحابه آگاه شده است.

و اگر اجماع بعد از وفات ایشان بوده است، قبلاً گفته شد که مشهور بین صحابه قصر نماز در سفر بوده است. و هنگامی که عثمان نماز را در سفر به صورت تمام به جای آورد، صحابه متعزّض وی شدند و او عذرهایی آورد تا کار خود را توجیه کند و همین عذر و بهانه ها دلیلی بر این است که اتمام در میان صحابه، امر شاذ و نادری بوده است.

علاوه بر این که: در خبری که ابن قدامه آن را نقل کرده زیاده ای وجود دارد. مسلم همین خبر را در صحیح خود، بدون عبارت:

«یتم بعضنا و یقصر بعضنا» (۱) آورده است و احتمال دارد که این قسمت به وسیله قایلین به جواز، به حدیث اضافه شده است.

اینها برخی از ادلّه قایلین به جواز اتمام، یا قصر در سفر بود که ضعف آنها روشن شد و ثابت گردید که نمی توان بدانها اعتماد کرد.

ص: ۵۲

## بررسی نماز مسافر از دیدگاه فقه اهل بیت (علیهم السلام)

به خاطر ضعف ادله قایلین به جواز و قوت ادله قایلین به وجوب قصر و متعین بودن قصر در سنت نبوی و عمل صحابه و عدم وجود اختلاف در زمان خلیفه اول و دوم و در نیمی از زمان خلافت خلیفه سوم، مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) قول به «وجوب قصر» را اختیار کرده است و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بر وجوب آن تصریح نموده اند. در این مورد خبرهای روشن و واضحی را از زراره و محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل کردیم.

علاوه بر این، خبرهای بسیار دیگری وجود دارد که به مسأله تصریح می کنند؛ چنان که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است:

«الصلاه فی السفر رکعتان لیس قبلهما و لا بعدهما شیء الا المغرب ثلاثاً». (۱)

«نماز در سفر، دو رکعت است و قبل و بعد از آن چیز دیگری نیست، مگر نماز مغرب که سه رکعتی است».

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد:

«تکلیف کسی که نماز را در سفر به صورت تمام خوانده است، چیست؟ فرمود: اعاده کند». (۲)

ص: ۵۳

---

۱- (۱) - تهذیب: ۱۳/۲؛ استبصار: ۱/۲۲۰.

۲- (۲) - تهذیب: ۱۴/۱۲.

این مسأله در فقه امامیه به وضوح منعکس شده است. شیخ طوسی می نویسد:

«شکسته خواندن نماز در سفر، واجب است... و قول به این که قصر در سفر واجب است، مذهب علی (علیه السلام) و عمر می باشد...» (۱).

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می نویسد:

«فقهای اسلام در مسأله قصر نماز در سفر با هم اختلاف پیدا کرده اند؛ شافعی قایل به جواز شده است و جبائی همین را اختیار کرده و ابوحنیفه گفته است: قصر در سفر واجب است و همین مذهب اهل بیت (علیهم السلام) است.» (۲).

علامه حلی می نویسد:

«قصر در سفر به اجماع تمام علمای ما واجب است و چنین نیست که جایز باشد و اگر کسی عمداً نماز را در سفر، تمام بخواند، نمازش باطل است. و علی (علیه السلام) و عمر و حماد بن ابی سلیمان و ثوری و اصحاب رأی قایل به همین هستند.»

(۳)

مرحوم صاحب جواهر می نویسد:

«شکسته خواندن نمازهای چهار رکعتی در سفر، به اتفاق همه علماء واجب است بلکه بر آن اجماع شده و بلکه از ضرورت شمرده

ص: ۵۴

---

۱- (۱) - خلاف: ۵۶۹ / ۱.

۲- (۲) - مجمع البیان: ۲۰۹ / ۳.

۳- (۳) - تذکره الفقهاء: ۳۵۵ / ۴.

شده است و نصوص روایی به صراحت، این مسأله را بیان می کنند». (۱)

پس این مسأله مورد اتفاق نظر مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبل از خلافت عثمان بن عفان می باشد و قول به جواز اتمام در سفر در زمان خلافت عثمان و به وسیله او ظاهر شده است.

ص: ۵۵

---

۱- (۱) - جواهر الکلام: ۱۴ / ۳۲۹.



شواهد تاریخی قطعی به وضوح دلالت دارند بر این که خلیفه سوم، این بدعت را پایه گذاری کرد و قبل از او، کسی قایل به این نبود. او برای کار خویش، دلیلی از کتاب و سنت نمی آورد بلکه دلایلی از پیش خودش ارائه می کند!

طبری در تاریخ خود و جاهای دیگر می نویسد:

«در سال ۲۹ هجری عثمان بن عفان، حجّ به جای آورد و در منا چادر زد. این اولین چادری بود که عثمان در منی بر پا کرد و نماز را در منا و عرفه به صورت کامل خواند.»

واقدی با اسناد از ابن عباس نقل کرده است:

«اولین چیزی که باعث شد تا مردم علیه عثمان حرف بزنند، این بود که وی ابتدا نماز را در منا دو رکعتی می خواند تا این که در سال ششم از خلافتش، آن را چهار رکعتی خواند!»

عده زیادی از صحابه به او ایراد گرفتند و پیش وی آمدند تا او را از این کار باز دارند و حتی علی (علیه السلام) پیش وی آمد و فرمود:

والله! ما حَدَّثَ امرٌ و لا قدم عهدٌ و لقد عهدتُ نبيك (صلی الله علیه و آله) يُصَلِّي ركعتين.

«به خدا قسم! که هیچ امری حادث نشده است و هیچ عهدی، کهنه نشده است و هر آینه پیامبر تو (صلی الله علیه و آله) را دیدم که نماز را در سفر، دو رکعت می خواند.»

از عبدالملک بن عمرو بن ابی سفیان ثقفی، از عمویش روایت شده است: عثمان در منا امامت کرد و نماز را چهار رکعت خواند. شخصی پیش عبدالرحمن بن عوف رفت و پرسید: آیا نمی توانی با برادرت صحبت کنی که نماز را چهار رکعتی خوانده است.

عبدالرحمن نماز را همراه عدّه ای دو رکعتی خواند و سپس پیش عثمان رفت و به وی گفت: آیا در همین مکان با رسول الله (صلی الله علیه و آله) نماز را دو رکعتی نخواندی؟ پاسخ داد: چرا. پرسید: آیا همراه ابوبکر، نماز را دو رکعتی نخواندی؟ پاسخ داد: چرا. پرسید: آیا با عمر، نماز را دو رکعتی نخواندی؟ پاسخ داد: چرا. پرسید: آیا در این مدّت چند سال از خلافت خود، نماز سفر را دو رکعتی نخواندی؟ پاسخ داد: چرا، اما ای ابو محمّد! خوب گوش بده؛ من مطلع شده ام که بعضی از حجّاج یمن و مردم جاهل، در سال گذشته گفته اند: نماز برای مقیم هم دو رکعتی است، مگر نمی بینید که خلیفه آن را دو رکعتی می خواند؟ برای همین در مکه عیالی اختیار کردم و از ترس این که مردم به اشتباه بیفتند، تصمیم گرفتم که نماز را چهار رکعتی بخوانم.

علاوه بر این که: در مکه همسر و اهل و خانواده ای اختیار کرده ام، در طائف نیز اموالی دارم که گاهی برای سرکشی به آن جا می روم و چند روزی در آن جا می مانم.

عبدالرحمن بن عوف گفت: اینها، عذر و بهانه ای برای چهار رکعتی خواندن نماز در سفر نمی شود.



امّا این که می گویی در مکه، اهل و عیال اختیار کرده ای، در واقع همسر تو در مدینه است و هر گاه بخواهی به سوی او می روی و همسر تو در هر جایی که تو اقامت کنی، ساکن می شود.

و امّا این که می گویی: در طائف اموالی داری، باید بدانی که تا طائف سه شبانه روز راه است و تو از اهل طائف نیستی.

و امّا این که می گویی: عدّه ای از اهل یمن برمی گردند و می گویند که خلیفه شما عثمان، در حالی که مقیم بوده، نماز را دو رکعتی خوانده است، دلیل موجهی نیست؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که وحی بر او نازل می شد و در آن زمان تعداد مسلمانان کمتر بودند و پس از وی، ابوبکر و عمر نیز همین کار را کردند و همیشه نماز سفر را دو رکعتی می خواندند تا از دنیا رفتند.

عثمان گفت: این چیزی است که به نظر من رسیده است!

عبدالرحمن از پیش عثمان خارج شد و ابن مسعود را دید. ابن مسعود پرسید: «ای ابومحمّد! آیا روش خود را تغییر می دهی؟»

پاسخ داد: نه.

پرسید: پس چه کنم؟

پاسخ داد: به آنچه خودت می دانی عمل کن.

ابن مسعود گفت: اختلاف، باعث ایجاد شرّ و آشوب می شود. به من خبر داده شده است که او نمازها را چهار رکعتی می خواند.

ص: ۵۹

عبدالرحمن گفت: من نیز مطلع شده بودم که او چهار رکعتی می خواند، اما من با اصحابم دو رکعتی خواندم، ولی همان طور که گفتم، این کار باعث شرّ و نزاع می گردد، پس همراه با او نماز را چهار رکعتی می خوانیم» (۱).

مسلم و بخاری و دیگران، با اسناد از عبدالله بن عمر روایت کرده اند:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در منا برای ما امامت کرد و نماز را دو رکعتی به جای آورد. بعد از او، ابوبکر و عمر و حتّی عثمان در ابتدای خلافتش چنین کردند تا این که عثمان، بعدها نماز را چهار رکعتی خواند. ابن عمر، هنگامی که به امام اقتدا می کرد، نماز را چهار رکعتی می خواند، ولی اگر خودش به تنهایی نماز می خواند، نماز سفر را دو رکعتی به جای می آورد» (۲).

ابن حزم گفته است:

«هر گاه که ابن عمر در منا به کسی اقتدا می کرد، نمازش را چهار رکعتی می خواند، پس از آن، به منزل می رفت و نمازش را به صورت دو رکعتی اعاده می کرد» (۳).

ص: ۶۰

---

۱- (۱) - تاریخ طبری: ۳/ ۳۲۲ (حوادث سال ۲۹ هجری)؛ الکامل، ابن اثیر: ۳/ ۱۰۳؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر: ۷/ ۱۷۳ (سال ۲۹ هجری)؛ تاریخ ابن خلدون: ۲/ ۳۸۶.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۲/ ۱۴۵، کتاب الصلاه، قصر الصلاه فی منی؛ مسند احمد: ۲/ ۳۱۹، ح ۶۳۱۹؛ مسند ابن عمر؛ سنن بیهقی: ۳/ ۱۸۰، کتاب الصلاه، باب ۷۵۱/ باب الامام المسافر، ح ۵۳۲۷.

۳- (۳) - المحلّی: ۴/ ۲۷۰/ صلاه المسافر.

مالک در موطأ از عروه نقل کرده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نمازهای چهار رکعتی را در منا، دو رکعت می خواند و ابوبکر و عمر هم آن را دو رکعتی می خواندند و حتی عثمان در ابتدای حکومتش آن را دو رکعتی می خواند، ولی بعدها آن را چهار رکعت می خواند».<sup>(۱)</sup>

نسائی در سنن خود از انس بن مالک نقل کرده است:

«همراه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) و ابوبکر و عمر و عثمان در ابتدای خلافتش در منا نماز را به صورت دو رکعتی خواندم».<sup>(۲)</sup>

و با اسناد خود، از عبدالرحمن بن یزید نقل کرده است:

«عثمان در منا نماز مسافر را چهار رکعتی خواند. این خبر به گوش ابن عمر رسید. وی گفت: به درستی که با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز سفر را دو رکعتی خوانده ایم».

این حدیث را امام احمد حنبل در مسند خود نقل کرده و حدیث انس را نیز در مسند خود به این صورت نقل کرده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز را در منا به صورت دو رکعتی به جای می آورد. ابوبکر و عمر نیز چنین می کردند. عثمان هم تا چهار سال آن را به همین صورت می خواند، اما بعداً آن را چهار رکعتی می خواند».<sup>(۳)</sup>

ص: ۶۱

---

۱- (۱) - الموطأ: ۲۵۹، کتاب الحج، باب ۶۶، باب الصلاة بمنی، ح ۹۱۷.

۲- (۲) - سنن نسائی: ۱/ ۵۸۶ کتاب قصر الصلاة فی السفر، باب ۳، الصلاة بمنی، ح ۱۹۰۵.

۳- (۳) - مسند احمد بن حنبل: ۱/ ۶۲۵، ح ۳۵۸۲.

مسلم و بخاری و دیگران با اسناد از عبدالرحمن بن یزید نقل کرده اند:

«عثمان بن عفان نماز را در منا به صورت چهار رکعتی امامت کرد. این مطلب را به عبدالله بن مسعود اطلاع دادند. وی آیه استرجاع را خواند و سپس گفت: همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در منا نماز را دو رکعتی خوانده ام و همراه ابوبکر و عمر نیز به صورت دو رکعتی خوانده ام و ای کاش! که از این چهار رکعت، دو رکعت آن به درگاه خدا پذیرفته شود و من از آن بهره منده شوم».<sup>(۱)</sup>

ابو داوود و دیگران از عبدالرحمن بن یزید روایت کرده اند:

«عثمان، نماز مسافر را در منا به صورت چهار رکعتی خواند. عبدالله گفت: همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر و عمر و عثمان در ابتدای خلافتش، نماز را به صورت دو رکعتی خواندم، اما عثمان بعدها آن را به صورت چهار رکعت می خواند و من دوست داشتم که از این چهار رکعت، دو رکعتش پذیرفته شود».

اعمش نقل می کند:

«معاویه بن قره از شیوخ خود روایت کرده است: عبدالله، نماز سفر را چهار رکعتی خواند. به او گفته شد: تو، به عثمان ایراد

ص: ۶۲

---

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۳۵ / ۲، کتاب الصلاة، ابواب التقصیر؛ صحیح مسلم: ۱۴۶ / ۲، کتاب الصلاة، باب قصر الصلاة فی منی؛ مسند احمد: ۷۰۰ / ۱، ح ۴۰۲۴؛ مسند ابن مسعود.

می گرفتگی و حال خودت آن را چهار رکعتی می خوانی؟ گفت: اختلاف، باعث شرّ می شود». (۱)

ابن حزم در المحلّی، از طریق سفیان بن عیینه، از جعفر بن محمد، از پدرش نقل کرده است:

«عثمان در منا مریض شد. پیش علی (علیه السلام) آمدند و گفتند: بیایید و نماز جماعت را امامت کنید. فرمود: اگر بیایم، همانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نماز می خوانم؛ یعنی دو رکعت. گفتند: نه، اگر بیایی باید مثل امیرالمؤمنین - یعنی عثمان - نماز را چهار رکعتی بخوانی! فرمود: پس نمی آیم». (۲)

طبرانی و احمد: با اسناد صحیح از طریق عباد بن عبدالله بن زبیر نقل کرده اند:

هنگامی که معاویه به حج آمد، همراه او وارد مکه شدیم. او نماز ظهر را امامت کرد و آن را دو رکعتی خواند، سپس به سوی دارالندوه رفت. این در حالی بود که عثمان وقتی وارد مکه می شد، نماز ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی می خواند و پس از آن که به منا و عرفات می رفت، آن را دو رکعتی به جای می آورد و پس از

ص: ۶۳

---

۱- (۱) - سنن ابی داوود: ۱۹۹ / ۲، کتاب المناسک، باب الصلاه بمنی، ح ۱۹۶۰؛ الآثار، قاضی ابویوسف: ۳۰؛ کتاب الأم، شافعی: ۲۱۴ / ۱، باب تطوّع المسافر.

۲- (۲) - المحلّی: ۲۷۰ / ۴، صلاه المسافر.

فراغت از مناسک حج و وقوف در منا، آن را چهار رکعتی می خواند تا از مکه خارج شود. برای همین، بلافاصله بعد از نماز ظهر، مروان بن حکم و عمرو بن عثمان پیش معاویه رفتند و گفتند: هیچ کسی، این گونه به پسر عمویت عیب و ایراد نگرفت! پرسید: مگر چه شده است؟ گفتند: مگر نمی دانی که او نماز را در مکه چهار رکعتی می خواند؟

گفت: وای بر شما! مگر کار درست، همانی نیست که من انجام داده ام؟! همانا با رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر و عمر، نماز را به صورت دو رکعتی خوانده ام. گفتند: درست می گویی، امّا پسر عمویت آن را به صورت چهار رکعتی می خواند و مخالفت تو با روش او، عیب و ایرادگیری نسبت به اوست! پس از آن وقتی که معاویه برای نماز عصر خارج شد، آن را به صورت چهار رکعتی خواند!». (۱)

بیهقی از عبدالرحمن بن یزید نقل کرده است:

«همراه عبدالله بن مسعود بودیم. او وقتی وارد مسجد منا شد، از نماز گزاران پرسید: امیرالمؤمنین چند رکعت خواند؟ گفتند: چهار رکعت. پس او هم چهار رکعت خواند. به او گفتیم: مگر برای ما روایت نمی کنی که رسول خدا (علیه السلام) و ابوبکر، نماز را به صورت دو رکعتی می خواندند؟ گفت: بله، من آن را الآن هم روایت می کنم، امّا

ص: ۶۴

---

۱- (۱) - مجمع الزوائد، هیشمی: ۱۵۷ / ۲، باب فیمن أتم الصلاة فی السفر.

از آن جا که عثمان، امام و حاکم است، با او مخالفت نمی‌کنم؛ زیرا اختلاف باعث شرّ است». (۱)

امام احمد بن حنبل در مسند خود از عبدالله بن عمر نقل کرده است:

«همراه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به مسافرت رفتیم. آن حضرت نماز را به صورت دو رکعتی به جای می‌آورد. همچنین ابوبکر، عمر و عثمان در ابتدای خلافتش به مدّت شش سال، نماز مسافرت را دو رکعتی می‌خواندند، اما عثمان بعدها آن را چهار رکعت می‌خواند». (۲)

بیهقی در السنن الکبری با اسناد از ابی نضره آورده است:

«مردی از عمران بن حصین در باره نماز رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در سفر

سؤال کرد. وی گفت: به مجلس ما بیا، سپس در مجلس خود گفت: این مرد، از من درباره چگونگی نماز رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در سفر سؤال کرده است، پس آن را از من بشنوید؛ رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به هیچ سفری نرفت، مگر آن که نماز را به صورت دو رکعتی می‌خواند تا به وطن برگردد و می‌فرمود: ای اهل مکه! برخیزید و دو رکعت دیگر بخوانید؛ زیرا ما مسافر هستیم و باید نماز را دو رکعتی بخوانیم.

ص: ۶۵

---

۱- (۱) - السنن الکبری، بیهقی: ۳/ ۲۰۵، کتاب الصلاة، باب ۷۷۱، باب ترک القصر فی السفر، ح ۵۴۳۳.

۲- (۲) - مسند احمد: ۲/ ۱۳۷؛ مسند عبدالله بن عمر: ح ۵۰۲۱.

و هنگامی که به غزوة طائف و حنین رفت، نماز را دو رکعتی می خواند، پس از حنین به جعرانه آمد و از آن جا برای عمره محرم شد و همراه ابوبکر به عمره رفتیم. او نماز را در سفر دو رکعت می خواند. و همراه عمر بن خطاب به سفر رفتیم و او نماز را دو رکعت می خواند. همراه عثمان نیز به مسافرت رفتیم. او در ابتدای حکومتش، نماز را دو رکعت می خواند، اما وقتی به منا آمد، آن را چهار رکعت خواند!». (۱)

با این همه شواهد، آیا جای آن دارد که فقهی بنشینند و با تأمل و دقت در منابع، در صدد این باشند که اثبات کند آیا قصر نماز در سفر، واجب است یا جایز؟!

توضیح داده شد که: اصل این اختلاف و تردید، از کتاب و سنت نشأت نگرفته است تا فقیه در دلالت آیات و روایات تأمل کند تا ببیند کدام احتمال درست است بلکه سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تمام مسلمانان و به خصوص صحابه و فقها تا اواسط حکومت عثمان بر قصر بوده است و خود را موظف بدان می دانسته اند. و عمل عثمان در اواسط حکومتش، باعث شک و تردید و شروع بحث در این موضوع شده است؛ از این رو، منطق حکم می کند که این بحث در دایره فقه و اجتهاد مورد بررسی قرار نگیرد؛ زیرا هیچ گونه اجتهادی در مقابل نص وجود ندارد

ص: ۶۶



و هیچ فقاهتی در مقابل سیره قطعیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام نمی گیرد بلکه اولی این است که فقها این عمل عثمان را انکار کنند و با تاسی به احتجاج صحابه علیه عثمان، این بحث را از دایره فقه خارج سازند.

### **تلاش برای توجیه عمل عثمان!**

عذرهای متعددی برای توجیه عمل عثمان و عایشه که پس از او چنین کرده، ذکر گردیده است که نووی در شرح خود بر صحیح مسلم، آنها را آورده است:

«علما در تأویل کارهای این دو، با هم اختلاف پیدا کرده اند. مطلب صحیحی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که آنان قصر و اتمام را جایز می دانسته اند و عمل به هر کدام را کافی دانسته و اتمام را انتخاب کرده اند.

و گفته شده: از آن جا که عثمان، امیرالمؤمنین و عایشه ام المؤمنین بوده اند، پس گویی که در منازل خود بوده اند و سفر و حضر برای آنان یکی بوده است! اما محققان، آن را نادرست دانسته و گفته اند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ابوبکر و عمر در این مورد نسبت به این دو اولی بوده اند، ولی نماز را در سفر به صورت شکسته خوانده اند.

و گفته شده: چون عثمان در مکه اهل و عیال اختیار کرده بود، این را هم باطل دانسته اند و گفته اند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با همسرانش به مکه آمد، ولی نماز را شکسته می خواند.

گفته شده: عثمان این کار را کرد تا کسانی که تازه اسلام آورده بودند، گمان نکنند که نماز، دو رکعت است. این را هم باطل دانسته و گفته اند: این احتمال در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم وجود داشته است و حتی احکام نماز در زمان عثمان، بیشتر از زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معروف و منتشر شده بود.

گفته شده: از آن جا که عثمان قصد داشت تا پس از اعمال حج در مکه اقامت کند، نمازش را چهار رکعتی خوانده است. این را هم باطل دانسته و گفته اند: اقامت بیش از سه روز در مکه برای مهاجر، حرام بوده است.

گفته شده: عثمان، صاحب زمینی در منا بوده است. این را هم باطل دانسته و گفته اند: داشتن زمین باعث اتمام و اقامت نمی شود». (۱)

اینها خلاصه ای از توجیهاتی بود که عثمان برای کار خودش نقل

کرده بود، یا برایش تراشیده بودند.

روشن است که اقدام بزرگان اهل سنت برای توجیه و تأویل عمل خلیفه سوم، دلیل بر آن است که قصر، وظیفه طبیعی و اصلی مسافر

ص: ۶۸

بوده، به گونه ای که اتمام نماز در مسافرت، احتیاج به تأویل و تصحیح به وجه شرعی و مقبول داشته است. و اگر مسافر، اجازه داشت که قصر، یا اتمام را به جای آورده و یا مختیر بین آن دو بود، این همه سعی و تلاش برای توجیه عمل خلیفه سوم معنا نداشت. و این سخن نووی معنا نداشت که می گوید:

«مطلب صحیحی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که آنان قصر و اتمام را جایز می دانسته اند و اتمام را انتخاب کرده اند.»

زیرا در این صورت، کلام این محققان، بدون مستند باقی می ماند؛ چون پس از آن که روشن شد سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و صحابه بر قصر در سفر جاری شده است، از کجا برای این دو، جواز هر دو صورت ثابت شده است تا این که یکی را انتخاب کنند؟!

وظیفه فقه و فقها استنباط احکام شرعی از کتاب و سنت است و هنگامی که شواهد قطعی تاریخی به ما می گویند که سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر قصر در سفر بوده است و صحابه و تمام مسلمانان در زمان خلیفه اول و دوم بر همین سیره بوده اند و بعضی از صحابه به عثمان اعتراض کرده اند و تمام عذر و توجیهاات وی را باطل دانسته اند، همینها به ما می فهماند که مسأله، خارج از دایره فقه می باشد و حکم قطعی آن واضح و روشن گردیده است. در این صورت، چه معنا دارد که بنا به قول نووی، عده ای از محققان بیایند و بخواهند تا بدعت عثمان را توجیه کنند؟

این یک مسأله شخصی است، در حالی که وظیفه فقیه استنباط احکام شرعی است، نه دفاع از اشخاص.

البته گاهی از امر شاذی که مخالف اصول می باشد، دفاع می شود و هدف مدافعان این است که شاذ بودن را از مسأله دفع کنند و آن را به نحوی به اصولی ارجاع دهند که پایه و اساس عمل مکلفین و استنباط فقها باشد، اما چیزی که آنان به دفاع از آن برخاسته اند، غیر از این می باشد.

آنان به دفاع از عمل خلیفه سوم برخاسته اند، آن هم نه به این منظور که عمل وی را توجیه کنند بلکه به این منظور که عمل وی را پایه و اساس فقه در مسأله حکم نماز مسافر قرار دهند! سپس به ادله و وجوه متشابهی همانند ادله پنجگانه ای که مورد مناقشه قرار گرفتند، تمسک جسته اند تا برای این مسأله مذهب فقهی درست کنند! به این ترتیب، عمل عثمان که نوعی بدعت و مخالفت آشکار با سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و صحابه بود، به یک مذهب فقهی تبدیل شد که برای آن، وجوه و استدلالهای مختلف ارائه می شد و این انحرافی واضح و روشن از طریق فقه، اجتهاد و استنباط شرعی است.

این مطلب، نقد اصلی و اساسی به کسانی است که در صدد توجیه عمل خلیفه سوم هستند، اما نقد تفصیلی برای هر کدام از توجیحات، در جوابهای عبدالرحمن به عثمان نقل شد و نویی هم به رد این

توجیہات اشارہ کرده است و برای خود یک تأویل باقی گذاشته بود که متعزّض آن شدیم.

و کسی که به دنبال مطالعه و بررسی بیشتر این مطلب باشد، باید به کتاب الغدیر مراجعه کند. در این کتاب، علامه امینی، تمام توجیہات، عذرہا و تأویلات را جمع آوری کرده و به صورت مستند و موثق به پاسخگویی پرداخته است. (۱)

### چکیده بحث

بر طبق دستور قرآن کریم و سیرہ نبوی که در منابع اہل سنت نقل گردیدہ است، نمازہای چہار رکعتی، در مسافرت، دو رکعت می شونند. قول به تخییر بین اتمام و قصر، از بدعتہای خلیفہ سوم است و دلایلی کہ برای توجیہ عمل وی آورده شدہ، بی پایہ و اساس و غیر قابل تصدیق است. حتّی بعضی از صحابہ متعزّض وی شدہ و عمل وی را انکار کردہ اند و او از جواب دادن و توجیہ عمل خود عاجز مانده و در نہایت گفتہ است:

«این رأی و نظر من است».

ہمین بہترین دلیل بر اعتراف وی بہ مخالفت با کتاب و سنت و ایجاد امری کہ از مصادیق بدعت است، می باشد.

ص: ۷۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

